

تحلیلی انتقادی بر مداخلات نظامیان در سیاست

نقدی بر کتاب نظامیان و سیاست

مسعود اخوان کاظمی*

چکیده

تکرار و استمرار مداخلات نظامیان در سیاست در جوامع مختلف باعث شده است که بررسی و تحلیل روابط متقابل نیروهای مسلح و حکومت به یکی از موضوعات مهم در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی تبدیل شود. دخالت نظامیان در سیاست در اشکال و سطوح خفیف و آشکار آن پدیده‌ای عمومی است که تقریباً در همه کشورهای دنیا وجود دارد. این پدیده در ملایم‌ترین و گسترده‌ترین سطوح خود شامل اعمال نفوذ بر سیاست‌مداران و فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سیاست‌گذاری‌ها می‌شود و در بالاترین سطوح خود، در قالب دخالت‌های سیاسی آشکار نظامیان و توسل به کودتا و حضور علنی آن‌ها در رأس قدرت سیاسی مشاهده می‌شود. در نوشتار حاضر به نقد و بررسی کتاب *نظامیان و سیاست* به‌منزله یکی از جدیدترین آثار ارائه‌شده در زبان فارسی در موضوع روابط متقابل سازمان نظامی و دولت پرداخته می‌شود و تلاش می‌شود با نگاهی تحلیلی - انتقادی ضمن نقد این اثر جنبه‌های مختلف این مبحث و ابعاد مختلف آن مورد واکاوی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نظامیان، سیاست، سازمان نظامی، کودتا، فرهنگ سیاسی.

۱. مقدمه

از دورانی که جوامع بشری به‌سوی دموکراسی حرکت کرده‌اند و غیرنظامی‌کردن عرصه حیات سیاسی را در پیش گرفتند، زمانی چندان طولانی نمی‌گذرد. با این حال، طی این مدت

* دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه رازی، Mak392@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۵

نه‌چندان دراز اصل غیرنظامی بودن سلطه سیاسی و حاکمیت تقریباً در اکثر مناطق جهان و توسط بیش‌تر حکومت‌های دنیا موردپذیرش قرار گرفته است و حضور آشکار نظامیان در صحنه سیاست به امری خلاف قاعده و غیرمعمول تبدیل شده است. بدین ترتیب، توقع همگان در جوامع سیاسی امروز این است که نظامیان به وظایف و عملکردهای تخصصی خود در حوزه‌های دفاعی و امنیتی بپردازند و از ورود علنی به عرصه سیاست یا اعمال نفوذ در این حوزه خودداری ورزند. اگرچه این امر هیچ‌گاه به‌طور کامل و جامع تحقق پیدا نکرد و هنوز هم در دنیای امروز با انواع مختلفی از حکومت‌های نظامی، شبه‌نظامی، یا تحت‌نفوذ نظامیان مواجه هستیم و حتی در دموکراسی‌های غربی نیز اشکال متنوعی از حضور و نفوذ نظامیان را در عرصه سیاست می‌توان مشاهده کرد. با این‌همه، اصل برتری حاکمیت غیرنظامیان بر نظامیان و غیرنظامی بودن حکومت‌ها هیچ‌گاه به‌طور رسمی و علنی در دوران معاصر مورد تردید واقع نشد و حداقل در تئوری و نظر، همه حکومت‌گران، اندیشمندان، و سیاست‌مداران بر آن صحنه می‌گذارند (اخوان کاظمی ۱۳۸۸: ۲۸۸).

با این حال، نظامیان یکی از قدرت‌مندترین و درعین حال، قدیمی‌ترین نیروهای اجتماعی هستند که همواره نقش و تأثیر قابل توجهی در حیات سیاسی - اجتماعی جوامع بشری بر جای گذاشته‌اند. اساساً حکومت‌های قدیمی‌تر در تاریخ سیاسی جهان همگی حکومت‌هایی نظامی بوده‌اند؛ بدین معنی که در بخش عمده‌ای از تاریخ جوامع انسانی، قدرت و حاکمیت در دست نظامیان بود و قدرت نظامی نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت و اداره جامعه برعهده داشت.

امروزه نیز در بسیاری از جوامع در سراسر جهان نظامیان یا به‌طور مستقیم و آشکار در رأس حکومت و قدرت سیاسی قرار دارند یا از بیرون از عرصه سیاست به اعمال نفوذ بر سیاست‌مداران و هدایت سیاست‌گذاری‌های آنان اقدام می‌کنند (Barani 1993: 167). به‌دست گرفتن قدرت توسط نظامیان یا اعمال نفوذ آنان بر سیاست به‌خصوص در قرن بیستم میلادی در بیش‌تر کشورهای آمریکای جنوبی و بسیاری دیگر از کشورهای جهان سوم در آفریقا، آسیا، و خاورمیانه رخ داده است و به‌گونه‌ای در برخی نقاط جهان پدیده‌ای عادی و روزمره تلقی شده است (هانتینگتون ۱۳۷۰: ۲۸۱). از این ملاحظات نمی‌توان نتیجه گرفت که در کشورهای پیشرفته صنعتی حکومت‌های نظامی هرگز به‌وجود نیامده‌اند یا احتمال دخالت و نفوذ نظامیان در سیاست و حکومت در این جوامع در آینده مطرح نخواهد بود یا این‌که یک خط فاصل آشکار بین دنیای پیشرفته توسعه‌یافته و جهان سوم از لحاظ دخالت نیروهای مسلح در سیاست وجود دارد (Huntington 1957: 39). در واقع،

برخی از کشورهای جهان اول و دوم دوره‌هایی از حکومت نظامیان را تجربه کرده‌اند که از آن میان می‌توان اسپانیا، پرتغال، یونان، فرانسه، و ... را نام برد. بدین ترتیب، از نظر تاریخی، دخالت ارتش در سیاست موضوع جدیدی نیست، اما تبدیل شدن این امر به شکل یک رویداد دائم و جزئی تفکیک‌ناپذیر از زندگی سیاسی برخی کشورها ضرورت بررسی و ریشه‌یابی آن را بیش از پیش مورد تأکید قرار داده است.

۲. معرفی اثر

کتاب *نظامیان و سیاست* از مجموعه انتشارات دانشگاه پیام‌نور است که در ۱۳۹۴ ش پرویز دلیرپور، از اعضای هیئت علمی این دانشگاه، برای استفاده دانشجویان رشته علوم سیاسی دانشگاه پیام‌نور آن را منتشر کرد. کتاب در مجموع ۱۸۷ صفحه دارد.

مطالب کتاب در یک پیش‌گفتار و سه بخش تنظیم شده‌اند. در ابتدای هر یک از بخش‌های کتاب هدف کلی از ارائه آن بخش و اهداف یادگیری مورد نظر به صورت فهرست‌وار بیان شده‌اند و انتظارات مورد نظر از مطالعه آن بخش به منظور یادگیری دانشجویان مطرح شده است. بخش نخست کتاب به بررسی تاریخ نظریه‌های سیاست و نظامیان اختصاص دارد و یک تحلیل تاریخی از سیر تحول نظریات مطرح در این حوزه ارائه شده است و در عین حال، به صورتی مختصر بحثی اولیه در زمینه دخالت نظامیان در سیاست مطرح شده است. بخش دوم کتاب به بیان نظریه‌ها و مدل‌های کلان موجود در زمینه تبیین روابط نظامیان و سیاست می‌پردازد و به ویژه نظریه نهادی هانتینگتون، نظریه هم‌سویی موریس جنوویتز (Jonowitz 1964: 78)، نظریه نهادی - شغلی ماسکوش، و نظریه هم‌گامی شیف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. مؤلف در بخش سوم کتاب، به ارائه چند بررسی موردی از کشورهای آمریکا، روسیه، چین، مصر، ترکیه، و پاکستان در خصوص روابط نظامیان و سازمان نظامی با مقوله دولت و سیاست می‌پردازد و نحوه تعامل نیروهای مسلح را با قدرت سیاسی در این کشورها تبیین می‌کند. کتاب بدون یک جمع‌بندی نهایی و در نهایت، با معرفی یک فهرست منابع فارسی و لاتین به پایان می‌رسد (دلیرپور ۱۳۹۴).

۳. معرفی مؤلف

مؤلف کتاب *نظامیان و سیاست* پرویز دلیرپور (ز ۱۳۵۰ ش) عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور مرکز زرین‌شهر اصفهان است که مدرک کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۳۷۶ از

دانشگاه شهید بهشتی تهران اخذ کرده است و در سال ۱۳۸۴ موفق به اخذ مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران شده است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد او با عنوان *تأثیر ساختار سیاسی نظام بین‌الملل بر تحول ماهیت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۷۵)* با راهنمایی محمدرضا تاجیک نگاشته شده است. او در مقطع دکتری رساله خود را با عنوان *مکانیسم ائتلاف نخبگان و تدوین استراتژی ملی توسعه در ایران بعد از انقلاب و با راهنمایی ابراهیم متقی دفاع کرده است.*

از جمله آثار منتشر شده از دلیرپور می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

«تأملی نظری در مفهوم فساد و راهبردهای مبارزه با آن»، *مطالعات افکار عمومی*، بهار ۱۳۹۴، ش ۱۳.

«امکان‌سنجی بررسی انقلاب اسلامی ایران بر پایه نظریه جامعه‌شناسی پیر بوردیو»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، زمستان ۱۳۹۴، ش ۱۷.

«تبیین تحولات مصر بر پایه دیدگاه نوسازی خودکامانه»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، پاییز ۱۳۹۲، ش ۷.

«زوال قدرت نرم ایالات متحده آمریکا»، *مطالعات قدرت نرم*، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ش ۷.

«دورنمای اسلام سیاسی در مصر»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، (پیاپی ۲۸۵)، پاییز ۱۳۹۰، ش ۹.

«تأملی نظری در موانع ساختاری تدوین راهبرد ملی توسعه در ایران»، *سیاست*، تابستان ۱۳۸۶، ش ۲.

۴. نقد و تحلیل اثر

۱.۴ نقد شکلی

کتاب پیش‌گفتاری دارد که در آن پرسش اصلی اثر حاضر را این مطلب می‌داند که «آیا دخالت نظامیان در سیاست پدیده پسنده‌ای است یا خیر». نویسنده پس از طرح این سؤال اساسی کتاب اعلام می‌دارد که «بخش عمده‌ای از کتاب حاضر به بررسی این پرسش اختصاص دارد»؛ این در حالی است که اساساً در هیچ‌یک از بخش‌های اصلی سه‌گانه کتاب و اهداف مطرح شده در ابتدای هریک از این بخش‌ها و در هیچ جای دیگری از اثر حاضر

به این پرسش پرداخته نشده است و تحلیلی درخصوص مطلوبیت یا عدم مطلوبیت دخالت نظامیان در سیاست ارائه نشده است. بخش اول کتاب حاوی مباحثی تاریخی است؛ بخش دوم به بیان نظریات کلان مطرح درخصوص چگونگی روابط نظامیان و سیاست پرداخته است و بخش سوم دربردارنده توصیف چند بررسی موردی از ارتباط نیروهای مسلح و دولت در کشورهای مختلف است.

علاوه بر این، در پیش‌گفتار کتاب نیز بیش از دوسوم مطالب به ایران و نیروهای نظامی آن اختصاص داده شده است که تناسب چندانی با موضوع اصلی کتاب و بخش‌های سه‌گانه آن ندارد و حتی در قسمت‌های مختلف کتاب نیز بحثی از ایران و نیروهای نظامی آن به‌میان نیامده است.

کتاب مقدمه ندارد و بدون هیچ‌گونه زمینه‌سازی و ارائه توضیحات لازم برای شروع بحث و ورود در موضوع بخش نخست آغاز می‌شود. در فهرست مطالب تیترو مباحث مطرح‌شده در کتاب به‌صورتی تفصیلی بیان شده‌اند و مطالب طی سه بخش اصلی و در گفتارهایی نُه‌گانه ارائه گردیده‌اند. اثر حاضر فاقد جدول‌ها، نمودارها، تصاویر، یا نقشه‌هاست، ولی از آن‌جایی که این کتاب به‌عنوان یک متن درسی دانشگاهی (برای دانشجویان دانشگاه پیام‌نور) در نظر گرفته شده است، اهداف کلی و اهداف یادگیری در ابتدای هر بخش مورد تأکید قرار گرفته‌اند و در پایان هر بخش نیز سؤالاتی در قالب خودآزمایی طرح شده‌اند. بخش‌های سه‌گانه کتاب فاقد جمع‌بندی یا نتیجه‌گیری مطالب هستند. این نوشتار هم‌چنین فاقد جمع‌بندی در پایان بخش سوم و نتیجه‌گیری در پایان کتاب است. هیچ‌گونه منابعی برای مطالعه بیشتر یا پیش‌نهادی برای انجام مطالعات و پژوهش‌های آتی در حوزه مورد مطالعه ارائه نشده است. هم‌چنین، کتاب فاقد نمایه و کتاب‌نامه است و فقط فهرستی از منابع استفاده‌شده در پایان اثر معرفی گردیده است.

درخصوص کیفیت چاپی و فنی اثر حاضر باید اذعان کرد که به‌صورتی مطلوب و قابل قبول نگاشته شده است. باوجود این، به‌علت فرمت تقریباً یک‌سان کتاب‌های منتشرشده دانشگاه پیام‌نور طرح روی جلد اثر ارتباط تصویری مناسبی را با موضوع اصلی آن برقرار نمی‌سازد. کتاب از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، کیفیت چاپ، و صحافی کیفیت مطلوبی دارد، با این حال، نمی‌توان وجود برخی ایرادات نگارشی، اغلاط چاپی، و اشکالات ویرایشی را در آن نادیده گرفت. در ادامه، به بیان برخی از ایرادات شکلی اثر در قالب دو مبحث: الف) ایرادات نگارشی و ب) ایرادات ویرایشی پرداخته می‌شود.

۱.۱.۴ ایرادات نگارشی

الف) اغلاط املائی

- در صفحه ۲ سطر ۶: واژه «پیشاوری» باید به «پیشاروی» تبدیل شود.
- در صفحه ۸ سطر ۱۰: سؤال ← سئوال.
- در صفحه ۱۷ نام «موریس دوورژه» دوبار در سطور ۴ و ۱۱ تکرار شده که از لحاظ نگارشی با یکدیگر تفاوت دارند و نگارش اول صحیح است.
- در صفحه ۱۷ سطر ۷ از پاراگراف دوم: مرآه ← هم‌راه.
- در صفحه ۱۷ سه سطر مانده به آخر: حمای ت ← حمایت.
- در صفحه ۸۰ چهار سطر مانده به آخر، واژه «دام» باید به «دامن» تبدیل شود.
- در صفحه ۱۰۶ سطر چهارم، واژه «شوروری» باید به «شوروی» تبدیل شود.
- در صفحه ۱۵۸، سطر چهارم از پاراگراف آخر، کلمه «وراد» باید به «وارد» تبدیل شود.

ب) اغلاط انشایی

- در صفحه ۱۴ سطر ۶، «نهاد نظامی حاصل کارکرد امنیتی که» ← «نهاد نظامی حاصل کارکرد امنیتی است که».
- در صفحه ۱۹ سطرهای ۱۳ و ۱۴، عبارت «شاین معتقد است الگویی است از پیش فرض‌های بنیادین» ایراد نگارشی دارد.
- در صفحه ۴۶ سطر ۱۸ واژه «می‌ستایید» باید به «می‌ستود» تبدیل شود.
- در صفحه ۴۷ سه سطر مانده به آخر صفحه، واژه «بل» باید به «بلکه» تبدیل شود.
- در صفحه ۶۷ سطر اول از پاراگراف دوم واژه «پژوهش گرانی» باید به صورت «پژوهشگرانی» نوشته شود.
- در صفحه ۸۹ در سطر سوم از پاراگراف سوم عبارت «پس به ریاست جمهوری کلیتون» باید به «پس از ریاست جمهوری کلیتون» تبدیل شود.
- در صفحه ۱۴۱ سطر آخر، به جای عبارت «هنوز درازی در پیش دارند»، باید عبارت «هنوز راه درازی در پیش دارند» قرار گیرد.

ج) تناسب‌نداشتن فعل با فاعل

- در صفحه ۲ سطر ۱۷، «خواهد» ← «خواهند».
- در صفحه ۴ سطر ۱۷، «نیروهای مسلح و تلقی نمودن آن» ← «نیروهای مسلح و تلقی نمودن آن‌ها».
- در صفحه ۷ سطر ۱۴، «این کشور داشته» ← «این کشورها دارند».
- در صفحه ۸۸ در سطر آخر از پاراگراف سوم، فعل جمله باید با فاعل آن تناسب داشته باشد و به صورت جمع بیاید: «می‌شود» ← «می‌شوند».

د) به‌کارگیری واژه‌های نامناسب یا نامأنوس.

- در صفحه ۱ سه سطر مانده به آخر، واژه «جستار» فاقد معنای مشخصی در این عبارت است:
- «جدل‌های شکل‌گرفته پیرامون جستار نظامیان و جامعه عمدتاً به مسئله قدرت سیاسی و دولت پیوند خورده است».
- در صفحه ۲ چهار سطر مانده به آخر: «شخصیت‌های پر قدرت» ← «شخصیت‌های قدرت‌مند».
- در صفحه ۵ سطر ۷ و ۸: «جنوب خاوری» ← «جنوب شرقی».
- در صفحه ۵ دو سطر مانده به آخر: «نهاد مدنی» ← «نهاد نظامی».
- در صفحه ۶ سطر ۵: «قدرت سیاسی» ← «قدرت نظامی».
- در صفحه ۱۰ چهار سطر مانده به آخر: «با این حال، گرچه» ← «با این حال».
- در صفحه ۱۲ در شروع پاراگراف دوم، کلمه «اما» اضافی است.
- در صفحه ۱۴ سطر آخر، جمله با «اما» شروع شده که اشتباه است و کلمه «اما» اضافی است.
- در صفحه ۱۵ سطر سوم از پاراگراف آخر، جمله با «اما» شروع شده که اشتباه است.
- در صفحه ۱۸ سطر ۶ از پاراگراف دوم، واژه نامأنوس «پایگان» می‌بایست با واژه مناسب‌تری جای‌گزین شود.
- در صفحه ۲۲ از اصطلاح لاتین «eran-spahbed» در مورد نام‌گذاری فرمانده کل ارتش ایران در زمان ساسانیان استفاده شده است که باتوجه‌به این‌که این اصطلاح در مورد کشورمان به‌کار برده می‌شد، می‌بایست اصل معادل فارسی آن ذکر می‌شد.

- در صفحه ۲۷ یک سطر مانده به آخر صفحه، از واژه نامأنوس و کم‌کاربرد «خردمندانگی» استفاده شده که می‌بایست از واژه «عقلانیت» به جای آن استفاده شود.
- در صفحه ۲۸ سطر ۶، معادل فارسی اصطلاح «کلایتالیستی» می‌بایست ذکر می‌شد.
- در صفحه ۳۲ چهار سطر مانده به آخر صفحه، واژه نامأنوس «همپایگی» می‌بایست با واژه مناسب‌تری جای‌گزین شود.
- در صفحه ۱۰۰ سطر چهارم، اصطلاح نامناسب «نقش اکونومیک» می‌بایست اصلاح شود.

ه) ناهماهنگی‌های نگارشی

- در صفحه دو، در بالا در بخش مشخصات نشر، سال ۱۳۹۳ به‌عنوان سال نشر کتاب ذکر شده است، درحالی‌که در همان صفحه پایین‌تر، در نوبت و تاریخ چاپ سال ۱۳۹۴ آمده است.
- در صفحه شش، در عنوان همه گفتارها از واژه «نظامیان» استفاده شده است، ولی در گفتار هفتم برخلاف بقیه گفتارها واژه «ارتش» به‌کار گرفته شده است.

ی) تکرار کلمات مشابه

- در صفحه ۵ سطور ۴ و ۵: کلمه «گوناگون» دو بار تکرار شده است؛ درحالی‌که به‌جای یکی از آن‌ها می‌توان از واژه «متفاوتی» یا «متنوعی» استفاده کرد.
- در صفحه ۷ سطور ۴ و ۶: کلمه «ولی» دوبار استفاده شده است که «ولی» اول اضافی است و جمله با «ولی» شروع نمی‌شود.
- در صفحه ۱۳ سطر اول: دو بار از کلمه «باز» استفاده شده که می‌بایست برای نخستین بار به‌جای کلمه «باز» از واژه «مجدداً» استفاده شود.
- در صفحه ۱۵ در پاراگراف دوم، چهار بار واژه «کرده‌اند» به‌صورت متوالی تکرار شده است!

۲.۱.۴ ایرادهای ویرایشی

الف) علائم سجاوندی یا نقطه‌گذاری

در متن کتاب به‌کارگیری بسیار کم ویرگول یکی از ایرادهای مهم ویرایشی محسوب می‌شود. در مواردی نیز ویرگول در جای نامناسب به‌کار برده شده است؛ مانند صفحه ۳۴ سطر دوم از پاراگراف سوم «شعار ناپلئون برای ایجاد این نظام خیزش توده‌ای بود». در این عبارت می‌بایست پس از واژه «نظام» از ویرگول استفاده شود و «خیزش توده‌ای» به‌عنوان یک اصطلاح خاص درون گیومه قرار داده شود.

یا در صفحه ۱۱۰ سطر اول پاراگراف دوم، در عبارت «برخلاف بحران گرجستان الحاق کریمه به روسیه با درایت کافی و بدون خون‌ریزی صورت گرفت»، باید پس از کلمه «گرجستان» از ویرگول استفاده شود: «برخلاف بحران گرجستان، الحاق کریمه به روسیه با درایت کافی و بدون خون‌ریزی صورت گرفت».

در مورد استفاده نابه‌جا از ویرگول نیز فقط به ذکر یک مورد اشاره می‌شود: در سطر آخر صفحه ۵۸، در جمله «به عقیده ماسکوش ارتش، سازمانی دارای مقداری خودمختاری است» ویرگول می‌بایست پس از ماسکوش قرار داده شود (به عقیده ماسکوش، ارتش سازمانی دارای مقداری خودمختاری است).

ب) رعایت نکردن فاصله بین کلمات

در موارد بسیار زیادی ایجاد فاصله بین کلمات رعایت نشده است. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

- صفحه ۸ سطر ۶: «بائبات» ← «با ثبات».
- در صفحه ۸۲ سطر اول از پاراگراف چهارم، در عبارت «رئیس جمهوری آمریکا) در هنگام...»، فواصل رعایت نشده‌اند.

۲.۴ نقد محتوایی

۱.۲.۴ ملاحظات کلی

در ابتدای بخش سوم کتاب، که به مطالعات موردی دخالت نظامیان در سیاست برخی کشورها مربوط می‌شود، بهتر بود که در ابتدای این بخش طی مقدمه‌ای دلایل انتخاب این کشورهای خاص ذکر می‌شد. علاوه‌براین، باتوجه‌به رشد و گسترش ادبیات حوزه

جامعه‌شناسی نیروهای نظامی، که امروزه به یکی از شاخه‌های مهم رشته جامعه‌شناسی تبدیل شده است (ادبیی سده ۱۳۸۱: ۲۰۵)، ضرورت ایجاب می‌کند که اشاراتی به مهم‌ترین مباحث مطرح در این حوزه نیز به عمل می‌آید.

هم‌چنین، چگونگی دخالت نظامیان در سیاست و شیوه‌ها، ابزارها، و سطوح این دخالت‌ها تشریح نشده‌اند. در واقع، ادبیات گسترده‌ای در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی نظامیان به تشریح چگونگی دخالت نیروهای نظامی در سیاست و شیوه‌های متفاوت ورود آن‌ها به عرصه قدرت و حکومت شکل گرفته است که به‌ویژه بر تفاوت ابزارهای به‌کارگرفته‌شده توسط آن‌ها و تنوع سطوح مداخلات سیاسی آن‌ها تأکید به عمل می‌آورند (Nordlinger 1977: 198).

از آنجایی که به اعتقاد صاحب‌نظران این حوزه و از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، سطح فرهنگ سیاسی جامعه تأثیری اساسی در دخالت‌کردن یا دخالت‌نکردن نظامیان در سیاست ایفا می‌کند (عطایی فر ۱۳۷۹: ۳۷)، می‌بایست نویسنده محترم توجه کافی به این عنصر مؤثر مبذول می‌کرد؛ در حالی که مباحث مرتبط با سطح فرهنگ سیاسی جوامع و ارتباط آن با میزان مداخله نظامیان در سیاست در این کتاب مغفول واقع شده‌اند. هم‌چنین، در کتاب درمورد ساختار سازمان نظامی و ارکان و شاخصه‌های آن و توانایی‌های این سازمان، که آن را قادر به دخالت در سیاست می‌سازد، بحث چندانی به عمل نیامده است.

علاوه بر این، درمورد ترکیب اجتماعی نظامیان و ارتباط آن با جامعه و با نیروهای اجتماعی دیگر بحثی مطرح نشده است. در عین حال، مباحث مربوط به علل و چرایی مداخلات نظامیان در سیاست به‌طور واضح و جداگانه‌ای مورد اشاره واقع نشده‌اند. هم‌چنین، مبانی و زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی دخالت نظامیان در سیاست در جوامع مختلف می‌بایست با توجه به عوامل متعددی از جمله:

- توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی سیاسی جوامع،
- سطح فرهنگ سیاسی جوامع،
- میزان توسعه‌یافتگی اقتصادی جوامع.

مورد بحث قرار گیرد و نظریات موجود در این زمینه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند (گن ذیر ۱۳۶۹: ۹۰).

از آنجایی که کودتا یکی از آشکارترین و عمیق‌ترین سطوح دخالت نظامیان در سیاست، به‌ویژه در جوامع جهان سوم، محسوب می‌شود (Fidel 1975: 153) می‌بایست به این پدیده

و ویژگی‌ها و علل و زمینه‌های وقوع آن به‌صورتی مجزا اشاره به‌عمل می‌آمد و تقسیم‌بندی‌هایی از این پدیده و پی‌آمدهای حاصل از آن در ساختار سیاسی و اجتماعی جوامع صورت می‌گرفت. این درحالی است که در صفحه بیست فقط چند سطری درمیان مباحث دیگر به این موضوع اختصاص داده شده است.

وجود نیروهای مسلح و سازمان نظامی درعین‌حال که برای دفاع از تمامیت ارضی و منافع ملی و امنیت کشور ضروری و بنیادی محسوب می‌شود، اما ممکن است در مواردی پی‌آمدهایی منفی را به‌منظور ایجاد اختلال در فرایندهای دموکراتیک جامعه و مخدوش‌ساختن روند توسعه سیاسی - اجتماعی و گسترش نهادهای جامعه مدنی به بار آورد (Perlmutter 1977: 143). البته، جوامعی که با بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی مستمری مواجه هستند، بیش‌تر در معرض دخالت‌های سیاسی نظامیانی قرار می‌گیرند که هدف خود از مداخله در عرصه سیاست را رفع نابه‌سامانی‌ها و اعاده نظم و امنیت و ثبات در جامعه عنوان می‌کنند (Decalo 1990: 65). باوجوداین، دخالت‌های نیروهای مسلح در سیاست و حکومت معمولاً نه‌تنها به کاهش تشنجات و نابه‌سامانی‌ها کمکی نمی‌کند، بلکه خود به عاملی برای گسترش مشکلات و بحران‌های سیاسی و اجتماعی این جوامع تبدیل می‌شود؛ چراکه نظامیان نه‌توانایی مدیریت سیاسی و اجتماعی جوامع پیچیده کنونی را دارند و نه قادر به ایجاد مبانی مشروعیت و پایگاه و حمایت مردمی برای خود هستند (می‌پر ۱۳۷۳: ۱۰۲). بدین‌ترتیب، شایسته بود که در کتاب حاضر پی‌آمدهای دخالت نظامیان در سیاست در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی به‌خوبی توصیف و تحلیل می‌شد و آثار این مداخلات در حیات اجتماعی به‌طور کلی تشریح می‌گردید. مثلاً، پدیده «میلیتاریسم» به‌عنوان یکی از پی‌آمدهای مهم دخالت نظامیان در سیاست شناخته شده است که در این کتاب فقط در سه سطر و آن هم در پانوشت به این موضوع پرداخته شده است (دلیرپور ۱۳۹۴: ۸).

علاوه‌براین، باتوجه‌به مقبولیت‌نداشتن دخالت نظامیان در سیاست و حاکمیت سیستم سیاسی جوامع در دنیای امروز می‌بایست به بحث خروج نظامیان از صحنه سیاست نیز توجه جدی به‌عمل می‌آمد و عوامل مؤثر در دورنگه‌داشتن نظامیان از صحنه سیاست و علل ناکارآمدی حاکمیت سیاسی نظامیان تشریح می‌گردید و به‌ویژه به راه‌کارهایی که در دنیای امروز برای تضمین دخالت‌نکردن نظامیان در سیاست به‌کار گرفته می‌شوند نیز اشاراتی به‌عمل می‌آمد (Wayman 1975: 66). این راه‌کارها هم درمورد ارتقای فرهنگ سیاسی جامعه و توسعه‌یافتگی سیاسی و اقتصادی و هم درمورد تثبیت اصل حاکمیت مدنی بر تشکیلات

نظامی مطرح می‌شوند و به‌خصوص می‌بایست به مدل‌های به‌کارگرفته‌شده در زمینه اقدامات کنترلی مرتبط با سازمان نظامی، که از سوی سیاست‌مداران و نهادهای غیرنظامی اعمال می‌شوند، نیز اشاراتی به‌عمل می‌آید (مانند مدل لیبرالی، مدل نفوذ، و مدل حرفه‌ای‌شدن) (اخوان کاظمی ۱۳۸۸: ۲۹۵).

در بخش دوم کتاب، که با عنوان «نظریه‌ها و مدل‌های کلان» نام‌گذاری شده است، از اصطلاحاتی مانند «نظریه» (دلیرپور ۱۳۹۴: ۳۹)، «مدل» (همان: ۳۹)، «قالب» (همان: ۴۱)، «فرضیه» (همان: ۵۸)، «برداشت» (همان: ۴۸)، «پارادایم» (همان: ۳۹)، «ره‌یافت» (همان: ۵۵)، و «الگو» (همان: ۶۷) در بیان دیدگاه‌ها و نظریات مختلف استفاده شده است بدون این‌که به بیان تفاوت‌های موجود بین این اصطلاحات پرداخته شود. گویی همه این اصطلاحات به‌عنوان مترادفی برای یک‌دیگر تلقی شده‌اند؛ مثلاً، در صفحه ۵۸ در ذیل تیتیر «فرضیه نهادی - شغلی»، بلافاصله از واژه «نظریه» استفاده شده است و سپس، در سطر بعدی دوباره واژه «فرضیه» به‌کار برده شده است!

۲.۲.۴ مصادیق ایرادات محتوایی

الف) عبارات یا ادعاهای متناقض

در سطور انتهایی صفحه‌تُه از کاهش حجم نیروها و هزینه‌های نظامی در روسیه و آمریکا پس از پایان جنگ سرد صحبت شده است، درحالی‌که در صفحه بعد عبارت متناقضی با این مطلب به شرح زیر در وسط صفحه آمده است:

«افزایش بودجه نظامی در آمریکا، چین، و روسیه همگی موارد مهمی از اهمیت ارتش و نظامیان در ابتدای سده بیست‌ویکم است».

ب) ارجاع‌ندادن به منابع

- در صفحه ۲ سطر ۳ مطلبی از افلاطون بدون ذکر منبع ذکر شده است.
- در صفحه ۲ آخر پاراگراف دوم مطلبی از ماکس وبر بدون ذکر منبع ذکر شده است.
- در صفحه ۱۰ سطر آخر مطلبی از ولتر بدون ذکر مرجع آمده است.
- در صفحه ۱۱ مطلبی از ساموئل آدامز بدون ذکر منبع آمده است.
- در صفحه ۱۱ سطر ۹ به اثری از هانتینگتون بدون ذکر نام آن اثر اشاره شده است و در نهایت، ارجاعی نیز ذکر نشده است.

- در صفحه ۱۵ در پاراگراف اول مطالبی از لاسول و هانتینگتون نقل شده که فاقد ارجاع هستند.
- در صفحه ۲۱ سطر اول از تیلی مطالبی نقل شده است و ارجاعی به منبع این مطالب داده نشده است.
- در پاراگراف آخر صفحه ۲۷ نظر ماکس وبر بدون بیان منبع آن ذکر شده است.
- در صفحه ۴۶ سطر ۱۰ نقل قول‌هایی از توماس کاکس مطرح شده است که ارجاع به منبع آن‌ها مشاهده نمی‌شود.
- در صفحه ۷۰ در ذیل تیتیر «مدل سنتی - اشراف سالارانه» به مطالبی از نوردد لینگر بدون ذکر منبع اشاره شده است.
- در صفحه ۷۱ سطر اول مطالبی از قول مائو بدون ارجاع به منبع آن‌ها آمده است.
- در صفحه ۷۱ تقسیم‌بندی سه‌گانه رژیم‌های نظامی از قول نورددلینگر، کلافام، و فیلیپ بدون ذکر منبع آن بیان شده است.
- در صفحه ۹۳ از پاراگراف دوم به بعد تا آخر صفحه ۹۴ مطالب زیادی از ریکس بدون ارجاع به منابع آن‌ها ذکر شده است.
- در صفحه ۱۶۱ در سطر اول از پاراگراف آخر مطالبی از نورددلینگر، کلافام، و فیلیپ بدون ذکر منبع آن ارائه شده است.

ج) ادعاهای ضعیف یا اثبات‌نشده

- در پاراگراف آخر صفحه ۲ منابع مالی، سازمان، و شخصیت به‌عنوان منابع قدرت ذکر شده‌اند که چنین حصری نه جامع است و نه مانع.
- در صفحه ۱۴ سطر ۷ به بعد ادعا شده که «در مقایسه با نهادهای مدنی و سیاسی، ارتش دارای چند امتیاز بالقوه مانند انضباط و روحیه جمعی است»، درحالی‌که بسیاری از نهادهای مدنی و سیاسی هم از انضباط و روحیه جمعی برخوردارند.
- در صفحه ۱۴ سطر ۴ از پاراگراف دوم ادعای غیرموجهی ذکر شده است و درعین حال، دو بار از کلمه «احتمالاً» نیز استفاده شده است:
- «از نظر تاریخی، هدف اولیه تشکیل نهاد نظامی احتمالاً نه دستیابی به نتیجه نظامی خاصی، بلکه احتمالاً ایجاد سامانه‌ای برای انجام اهداف سیاسی - اجتماعی خاص داخل کشور بوده است».

- در صفحه ۱۵ پاراگراف آخر سطر سوم ادعا شده که «اما برای تبیین رفتار نظامیان در محیط‌های سیاسی و درغیاب تهدیدات نظامی خارجی جهان سوم نظریه‌های جامعی مطرح نشده‌اند»؛ این درحالی است که وجود ده‌ها نظریه مختلف از سوی پژوهش‌گران این حوزه (که در این کتاب نیز به تعدادی از آن‌ها اشاره به عمل آمده است) و نگارش صدها اثر درخصوص تبیین و تشریح دخالت‌های نظامیان در سیاست کشورهای جهان سوم این ادعای نگارنده کتاب را به شدت زیر سؤال می‌برند.
- در صفحه ۸۸ در سطور آخر پاراگراف سوم ادعایی ضعیف و غیرمستند مطرح شده است: «مصرف مواد مخدر و الکل و حتی روابط نژادی نابرابر در جامعه از جمله مواردی است که از سوی نظامیان آمریکایی نشانه‌های زوال جامعه تلقی می‌شود.» در این عبارت فعل جمله نیز اشکال نگارشی دارد.
- در صفحه ۱۰۰ در سطر اول پاراگراف دوم ادعا شده است که قدرت سیاسی عالی در روسیه مبنای قومی دارد! که ادعایی شاذ و غیرمستند است.

(د) وجود عبارات مبهم

- در صفحه ۳ آخر پاراگراف دوم عبارت: «هم‌چنین نظامیان از خصلت صنفی برخوردار بوده و حامل ملی‌گرایی یا ایدئولوژی دولتی نیز هستند» ابهام دارد.
- در صفحه ۴ سطر ۷ عبارت «از دیدگاه بسیاری از جوامع! جنگ سرد نقش ارتش را تعمیق کرد، ولی تفاوت بنیادی در آن پدید نیاورد» فاقد معنای واضحی است.
- در صفحه ۱۲ چهار سطر آخر پاراگراف اول جمله «سرانجام چون پس از ... مورد تردید قرار دادند» دارای ابهام است.
- در صفحه ۱۴ سطر ۱۱ تا ۱۴ صدر و ذیل جمله با یک‌دیگر ارتباطی ندارند: «گرچه به لحاظ تاریخی کنترل دولت بر ارتش بیش‌تر یک استثنا بوده است تا قاعده، ولی محور اصلی تشکیل سازمانی به نام ارتش یا نهادهای نظامی کنترل تهدیدات داخلی و خارجی بوده است».
- در صفحه ۱۷ سطر اول از پاراگراف آخر در عبارت «دخالت ارتش در سیاست به شکل کودتای نظامی و غیره ...» با توجه به تخصصی بودن این متن می‌بایست به جای «و غیره» به دیگر اشکال دخالت نظامیان در سیاسی (که اشکال و سطوح بسیار متنوعی را شامل می‌شود) نیز اشاراتی به عمل می‌آمد.

- در صفحه ۹۷ سطور ۵ و ۶ ابهام وجود دارد: «گورباچف ... سعی کرد اولویت‌های اقتصادی و سیاسی کشور را بر اولویت‌های سیاسی تقدم بخشد». به نظر می‌رسد که به جای «اولویت‌های سیاسی» باید عبارت «اولویت‌های نظامی» جای‌گزین شود.

ه) ذکر نکردن دلیل یا علت

در صفحه ۵ آخر پاراگراف اول ادعا شده که «البته نادرستی این اندیشه در دهه‌های بعد به‌اثبات رسید»؛ بدون این‌که مؤلف محترم به چگونگی یا چرایی این مطلب اشاره‌ای کند.

و) خلط بین مفاهیم

خلط بین مفهوم کشور و دولت: بدیهی است که در یک متن تخصصی علوم سیاسی نباید بین مفاهیم و واژه‌های دقیق فنی این علم دچار خلط و اشتباه شد. مثلاً، دانشجویان این رشته باید به‌خوبی بدانند که واژه کشور با واژه دولت دارای تفاوت‌هایی اساسی است و هرکدام کاربردهای متفاوتی دارند. در صفحه ۹ سطر دوم از پاراگراف دوم از واژه کشور استفاده شده است، در حالی که می‌بایست واژه دولت را در این عبارت به‌جای آن به‌کار برد.

این اشتباه در صفحه ۱۶ در سطر اول پاراگراف دوم نیز به‌صورتی غیرقابل‌اغماض مطرح شده است و از «بررسی کشور و ارتش» سخن به‌میان آمده است که علاوه‌بر ایراد یادشده، دارای یک اشکال ویرایشی نیز است یعنی باید کلمه «رابطه» نیز به آن اضافه شود و به «بررسی رابطه بین ارتش و دولت» تبدیل گردد.

در صفحه ۱۵ جمله‌ای از چارلز تیلی نقل شده است که در ترجمه آن نیز بین واژه «دولت» با «کشور» خلط شده است: «جنگ کشور را می‌سازد و کشور جنگ را»؛ در حالی که باید گفته شود: «جنگ دولت را می‌سازد و دولت جنگ را». البته در چند صفحه بعد، این اشتباه را نویسنده در سطر ۵ صفحه ۳۰ رفع کرده است و به‌درستی از واژه «دولت» در ترجمه بیان چارلز تیلی استفاده کرده است.

در صفحه ۱۶ در وسط صفحه در تیتراژ مطلب از «جامعه‌شناسی جنگ» سخن گفته شده، در حالی که باید از اصطلاح «جامعه‌شناسی نظامی» استفاده می‌شد. بدیهی است که تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای بین جامعه‌شناسی جنگ (که اساساً موضوع بحث این کتاب نیست)، با جامعه‌شناسی نظامی وجود دارد که باید مدنظر مؤلف محترم قرار می‌گرفت (Finer 1962: 47). در سطر چهارم بعد از تیتراژ یادشده نیز واژه «جامعه‌شناسی جنگ» می‌بایست به «جامعه‌شناسی نظامی» تبدیل شود.

ز) مباحث تاریخی

- در صفحه ۱۰ در دو مورد به سال ۱۶۴۸ اشاره شده است، ولی هیچ توجهی به این‌که این تاریخ در بردارنده چه ویژگی و شاخصه مهمی بوده نشده است. این در حالی است که تاریخ یادشده به حادثه مهم انعقاد عهدنامه وستفالی اشاره دارد.
- در موارد متعددی ترتیب و توالی تاریخی در بیان مباحث تاریخی یا ذکر تاریخچه نظریات مختلف رعایت نشده است؛ مانند صفحه ۱۱ در اواسط صفحه به نظریات هانتینگتون در ۱۹۸۵ میلادی اشاره شده است، ولی در پاراگراف بعدی دوباره به دهه ۱۹۶۰ میلادی بازگشت می‌شود.
- در صفحه ۵۴ سطر دوم سال استقلال آمریکا ۱۷۸۹ میلادی ذکر شده است که اشتباه است. این سال به پیروزی انقلاب در فرانسه مربوط می‌شود.

ح) ارتباط و توالی منطقی بین مباحث

در صفحه بیست درحین بحث درخصوص توانایی‌های سازمان نظامی در حوزه دخالت در سیاست به ناگهان و بدون مقدمه و به یک‌باره بحث عوض شده است و بدون این‌که حتی پاراگراف جدیدی شروع شود، موضوع کودتا مطرح می‌شود و به‌طور خیلی خلاصه خاتمه پیدا می‌کند؛ درحالی‌که مبحث کودتا می‌بایست به‌صورتی جداگانه و در یک مقوله خاص به‌عنوان شدیدترین و بارزترین و عمیق‌ترین شکل دخالت نظامیان در سیاست موردتحلیل و تبیین قرار می‌گرفت (Kennedy 1974: 81). این درحالی است که در بخش‌های دیگر کتاب نیز به‌صورتی فنی و تخصصی به این پدیده مهم در مقوله مداخلات نظامیان در سیاست پرداخته نشده است و زمینه‌ها و دلایل شکل‌گیری این پدیده و آثار و پی‌آمدهای آن در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی موردبحث قرار نگرفته است.

ط) ترجمه‌های نامناسب

- اصطلاح «دولت - شهر» که ترجمه واژه تخصصی «city-state» است، برای دانشجویان علم سیاست اصطلاح شناخته‌شده‌ای است؛ درحالی‌که مؤلف محترم در موارد متعددی به‌جای آن از اصطلاح نامأنوس «شهر - کشور» استفاده کرده است، مانند صفحه ۹.
- در صفحه ۱۶۲ سطر هفتم از پاراگراف آخر اصطلاح «دموکرات‌های مبتدی» به‌عنوان ترجمه‌ای از واژه انگلیسی «basic democrats» ذکر شده است که صحیح نیست.

ی) استفاده نکردن از برخی از مهم‌ترین منابع در سال‌های اخیر آثار ارزش‌مندی به زبان فارسی در موضوع ارتش و سیاست یا نظامیان و سیاست به‌رشته تحریر درآمده‌اند که اگرچه مؤلف محترم به تعدادی از آن‌ها اشاره کرده است و از آن‌ها استفاده به‌عمل آورده است، برخی از این آثار در نوشتار حاضر مورد غفلت واقع شده‌اند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان (به ترتیب الفبایی نام نویسندگان) به موارد زیر اشاره کرد:

- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۸)، *نظامیان و سیاست از منظر جامعه‌شناسی سیاسی*، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، تهران: سمت.
- عطایی فر، بهروز (۱۳۷۹)، *ارتش، کودتا، سیاست*، تهران: آمن.
- موسوی، علی (۱۳۶۰)، *کودتا و ضدکودتا*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ودیس، جک (۱۳۵۸)، *ارتش و سیاست*، ترجمه م. سجودی، تهران: مازیار.

۵. نتیجه‌گیری

در جامعه‌شناسی سیاسی نظامیان به‌منظور تبیین گرایش‌ها و مبانی رفتار سیاسی نیروهای مسلح تلاش می‌شود تا به بررسی انگیزه‌ها و علل و عواملی در درون ساختار سازمان نظامی، جامعه، و حکومت پرداخته شود که می‌توانند دلایل تمایل نظامیان را به ورود در عرصه‌های سیاسی توضیح دهند و به همین لحاظ با استفاده از رویکردهای مختلفی، به‌خصوص رویکرد سازمانی و رویکرد محیطی، به تبیین چرایی و چگونگی مداخله نیروهای نظامی در سیاست اقدام می‌کند. با وجود این، اگرچه براساس رویکرد سازمانی بر توانایی‌های ساختاری و ابزاری نیروهای مسلح تأکید به‌عمل می‌آید و انسجام سازمانی و قدرت تسلیحاتی و تکنولوژیکی به‌عنوان عوامل مهمی در تمایلات مداخله‌جویانه نظامیان در سیاست معرفی می‌گردد، از منظر جامعه‌شناسی سیاسی دخالت نظامیان در سیاست در خلاً اجتماعی صورت نمی‌گیرد و بنابراین، رویکرد محیطی بهترین و مستدل‌ترین تبیین را در خصوص دلایل اجتماعی و سیاسی ورود نظامیان به عرصه‌های حکومتی ارائه می‌کند (اخوان کاظمی ۱۳۷۶: ۱۶). از این دیدگاه، توسعه‌نیافتگی سیاسی و اقتصادی، ضعف و نابه‌سامانی نهادهای جامعه مدنی، به‌ویژه پایین‌بودن ظرفیت‌های نظام سیاسی، و کارآیی و مشروعیت آن از جمله مهم‌ترین عوامل محیطی زمینه‌ساز مداخلات سیاسی نظامیان

محسوب می‌شوند (Bienen 1971: 234). در این میان، سطح فرهنگ سیاسی جوامع، که بر پایه شاخص‌های تعریف‌شده‌ای اندازه‌گیری می‌شود، تأثیری اساسی را در فراهم‌ساختن زمینه‌های مساعد یا ممانعت از دخالت نیروهای مسلح در سیاست ایفا می‌کند. این در حالی است که متأسفانه در اثر حاضر بسیاری از این عناصر تأثیرگذار مورد غفلت واقع شده‌اند و نقش آن‌ها در دخالت نظامیان در سیاست نادیده گرفته شده است.

ورود نیروهای مسلح به دنیای سیاست متأثر از دو مقوله توانایی‌های نظامیان از یک‌سو، و تمایلات جامعه از سوی دیگر، است. با وجود این، اگرچه توانایی‌های نظامیان و قابلیت‌های سازمان نظامی در همه جوامع در مقایسه با دیگر نیروهای اجتماعی امری انکارناشدنی و واقعی تلقی می‌شود، این توانایی‌ها به تنهایی نمی‌توانند به تحقق عینی حاکمیت سیاسی نیروهای مسلح بینجامند. بنابراین، صرف‌نظر از پتانسیل‌های قدرت‌مند سازمان نظامی باید به اوضاع و احوال اجتماعی و وضعیت سیاسی و اقتصادی جوامع به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده در این زمینه توجه کرد. حتی سطوح و شیوه‌های مداخله ارتش در سیاست نیز به عوامل اجتماعی و سیاسی جوامع ارتباط پیدا می‌کنند و بر همین مبنا، به اشکال متفاوتی ظاهر می‌شوند و در نتیجه، از شدت کم‌تر یا بیش‌تری برخوردار می‌گردند و در قالب‌هایی چون نظارت بر سیاست، هدایت حکومت‌گران، و مدیریت سیاسی قابل‌مشاهده هستند (بشیریه ۱۳۷۴: ۲۷۰).

دخالت نظامیان در سیاست و حضور و نفوذ آن‌ها در حکومت، چه کوتاه‌مدت و چه درازمدت، پی‌آمدهای قابل‌توجهی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی برجای می‌گذارد که در اثر حاضر توجهی به آن‌ها به‌عمل نیامده است. در عرصه سیاسی دخالت و حاکمیت نظامیان به وارد آمدن آسیب‌هایی جدی بر فرایندهای دموکراتیک، حیات و فعالیت نهادهای جامعه مدنی، و روند توسعه سیاسی منجر می‌شود. در حوزه اقتصادی نیز اگرچه نظامیان با ادعای نجات کشور از اوضاع وخیم اقتصادی و سامان‌بخشیدن به مشکلات و بحران‌های اقتصادی ورود خود را به دنیای سیاست توجیه می‌کنند، در نهایت، خود به مانع عمده‌ای در راه رشد و توسعه اقتصادی جامعه تبدیل می‌شوند و نابه‌سامانی‌های اقتصادی را تشدید می‌کنند (Feaver 2002: 167). نفوذ و حضور نظامیان در ساختارهای حکومتی و تداوم سلطه آنان بر سیاست پی‌آمدهای نامطلوبی را نیز در حوزه‌های اجتماعی به‌بار می‌آورد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به گسترش پدیده میلیتاریسم در ارکان مختلف جامعه اشاره کرد که طی آن بخش‌های عمده‌ای از حیات اجتماعی و سیاسی جامعه تحت تأثیر رفتارها و گرایش‌ها و اهداف نظامی‌گرایانه رنگ و صبغه نظامی پیدا می‌کنند

(ازغندی ۱۳۷۴: ۵۲). نیروهای مسلح در دوران حاکمیت خود نفوذ خویش را بر نیروهای اجتماعی، احزاب سیاسی، و افکار عمومی تحمیل می‌کنند و وسایل ارتباط جمعی را در جهت اهداف خود در کنترل کامل درمی‌آورند.

در نهایت، به‌عنوان نتیجه‌گیری بحث باید گفت که کتاب *نظامیان و سیاست* با توجه به کاستی‌های قابل ملاحظه محتوایی آن در واقع، به‌عنوان یک متن درسی مختصر برای دانشجویان دانشگاه پیام نور در رشته علوم سیاسی نوشته شده است و نمی‌تواند در چهارچوب یک کتاب علمی دربرگیرنده ابعاد مختلف یک موضوع تخصصی در نظر گرفته شود. بدین ترتیب، می‌توان ادعا کرد که کتاب حاضر به ارتقای دانش موجود در حوزه مداخلات نظامیان در سیاست کمکی نمی‌کند و چنین رسالتی را نیز برای خود قائل نیست. البته باید اذعان کرد که فصل سوم کتاب که به بررسی موردی مداخلات نظامیان در سیاست در کشورهای مختلف می‌پردازد، حاوی برخی اطلاعات آماری و داده‌های جدید درباره این حوزه است که تنها نقطه قوت این اثر محسوب می‌گردد.

کتاب‌نامه

- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۷۶)، «تعریف و نقش اجتماعی خواص از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی: بررسی موردی خواص نظامی»، فصل‌نامه مصباح، س ۶، ش ۲۳.
- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۸)، *نظامیان و سیاست از منظر جامعه‌شناسی سیاسی*، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، تهران: سمت.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۴)، *ارتش و سیاست*، تهران: قومس.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی.
- دلیرپور، پرویز (۱۳۹۴)، *نظامیان و سیاست*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- عطایی فر، بهروز (۱۳۷۹)، *ارتش، کودتا، سیاست*، تهران: آمن.
- گندزیر، ایرن (۱۳۶۹)، *کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم*، ترجمه احمد تدین، تهران: سفیر.
- می‌یر، پیتر (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی جنگ و ارتش*، ترجمه محمدصادق مهدوی و علیرضا ازغندی، تهران: قومس.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲)، *سامان سیاسی در جوامع دست‌خوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم.

- Bienen, Henry (1971), *The Military and Modernization*, Chicago and New York: Aldin Atherton.
- Decalo, S. (1990), *Coups and Army Rule in Africa*, London: Yale University Press.
- Feaver, Peter D. (2002), *Armed Servants: Agency, Oversight, and Civil-Military Relations*, New Jersey: Transaction.
- Fidel, K. (ed.) (1975), *Militarism in Developing Countries*, New Brunswick, New Jersey: Transaction Books.
- Finer, S. E. (1962), *The Man on Horseback: The Role of the Military in Politics*, London: Pall Mall Press.
- Huntington, Samuel P. (1957), *The Soldier and the State*, New York: Harvard College Press.
- Jonowitz, Morris (1964), *The Military in the Political Development of New Nations*, Chicago: The University of Chicago Press.
- Kennedy, Gavin (1974), *The Military in the Third World*, New York: Charles Scribner's Sons.
- Nordlinger, Eric A. (1977), *Soldiers in Politics: Military Coups and Governments*, New Jersey: Prentice Hall Inc.
- Perlmutter, A. (1977), *The Military and Politics in Modern Times*, New Haven: Yale University Press.
- Wayman, F. (1975), *Military Intervention in Politics: A Causal Model*, Beverly Hills, Calif: Sage.